

عوامل مؤثر بر وضعیت تجارت خراسان و ماوراءالنهر در دوران تیموریان

شهرام فرحناکی، دانشجوی دکتری تخصصی دانشگاه پیام نور*
جمشید نوروزی، دانشیار دانشگاه پیام نور
شهرام یوسفی فر، استاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
هوشنگ خسرو بیگی، دانشیار دانشگاه پیام نور

چکیده

نوشتار حاضر به بررسی وضعیت تجارت خراسان و ماوراءالنهر در عهد تیموریان می‌پردازد که یکی از عناصر تشکیل‌دهنده اقتصاد تیموریان است. در این نوشتار با اتکال به داده‌های موجود در منابع و با رویکردی توصیفی - تحلیلی، اوضاع تجارت منطقه، از ظهور تیمور تا انتهای حکمرانی بایقرا مورد بررسی قرار گرفته است. مقاله این پرسش اساسی را مورد توجه قرار می‌دهد که وضعیت تجارت در خراسان و ماوراءالنهر در دوره تیموریان چگونه بود؟ در این نوشتار، نشان داده شده است که توجه به مقوله تجارت در دیدگاه امیران تیموری، موقعیت جغرافیایی خاص این دو منطقه مهم، تنوع کالایی و نیز رشد چندین شهر عمده در این مناطق، مجموعه‌ای از عوامل مؤثر بر رونق تجارت در خراسان و ماوراءالنهر می‌باشند. تجارت مناطق مذکور با تکیه بر فاکتورهای فوق و نیز قرار گرفتن در معرض سیاست‌های اقتصادی امیران تیموری، دارای تجارتی پویا گردید. لذا با رونق نسبی در اجزاء متشکل تجارت منطقه در دوره تیموریان روبرویم.

واژگان کلیدی: تیموریان، تجارت، خراسان و ماوراءالنهر، مراکز تجاری، مسیرهای تجاری.

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۹/۰۸

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۰/۰۲

*E-mail: farahnaki@ut.ac.ir

مقدمه

تیمور (حک: ۷۷۱-۸۰۷ ق) در ۷۷۱ هجری بر تخت حکومت ماوراءالنهر نشست (یزدی، ۱۳۸۷: ۱/۴۰۳). شهر سمرقند مقر فرمانروایی تیمور قرار گرفت (ابن عربشاه، ۱۳۸۶: ۵). وی بعد از تثبیت قدرت خود در ماوراءالنهر، راهی خراسان شد تا از طریق برچیدن حکومت‌های آنجا، بر دامنه قلمروش بیفزاید. در منطقه خراسان، نخست حکومت آل کرت (یزدی، ۱۳۸۷: ۱/۶۱۶) و در گام بعدی، چندین حکومت محلی را از مرکز و غرب خراسان برچید (نطنزی، ۱۳۳۶: ۳۱۱). بعد از خراسان، سراغ بقیه مناطق ایران و حتی ممالک پیرامون ایران رفت (یزدی، ۱۳۸۷: ۲/۱۲۸۹). پس از مرگ تیمور در ۸۰۷ هجری، بر سر تخت سمرقند نزاع درگرفت. شاهرخ موفق گردید در ۸۱۲ هجری فرزندش الغ‌بیگ را بر تخت سمرقند بنشاند (ابن عربشاه، ۱۳۸۶: ۲۲۹) و خراسان و ماوراءالنهر را تحت اختیار خویش درآورد. با مرگ شاهرخ در سال ۸۵۰ ق طغیان‌های بیایی امیران و شاهزادگان، قلمرو تیموریان را دچار ناآرامی ساخت. سپس حکمرانانی چون ابوسعید و بایقرا در مقاطعی موفق به احیاء قدرت تیموریان شدند که تا ۹۱۱ هجری دوام آورد (خواندمیر، ۱۳۳۳: ۴/۱۱۲). به لحاظ جغرافیایی، خراسان و ماوراءالنهر در نقطه تلاقی شرق به غرب بود و شهرهای عمده آن بر سر راه‌های مواصلاتی آن روزگار قرار داشت. لذا از نظر کارکرد تجاری دارای قابلیت‌های خوبی بودند.

چنین به نظر می‌رسد که وضعیت تجارت خراسان و ماوراءالنهر در عهد تیموریان، مورد مطالعه مستقل و فراگیر قرار نگرفته است. اغلب پژوهشگران، یا به بخشی از تاریخ تجاری آنان پرداخته و یا اطلاعات ناقصی از وضعیت تجارت در خراسان و ماوراءالنهر ارائه می‌دهند. «برت‌فراگنر» (Bert G. Fragner) و رویمر (Roemer) در جلد ششم تاریخ ایران کمبریج، تجارت تیموریان را با بررسی تجارت در نواحی غربی قلمرو تیموریان مورد بررسی قرار داده‌اند. لذا توجهی به وضعیت تجارت در مناطق خراسان و ماوراءالنهر نداشته‌اند (رویمر و دیگران، ۱۳۷۸: ۱۴۰). رحمتی و یوسفوند در بررسی خویش از اقتصاد تیموریان، در زیرمجموعه اقتصاد شهری، به تجارت در عهد بایقرا پرداخته‌اند (رحمتی و یوسفوند، ۱۳۹۲: ۷۹-۹۵). لذا تجارت در عهد سایر امیران تیموری، مستلزم پژوهش دیگری است. در طرح پژوهشی «راجکای»، مسیرهای تجاری ماوراءالنهر و خراسان، سیاست‌های اقتصادی امیران تیموری و نیز کالاهای تجاری و سیستم پولی، مباحثی هستند که توجهی بدان نشده است (Rajkai, 2007). با این تفصیل؛ مقاله حاضر درصدد است تا در قالب مسئله‌ای جدید، به تجارت تیموریان در مناطق خراسان و ماوراءالنهر بپردازد و اطلاعات جامع‌تری را ارائه دهد.

مقاله حاضر، با محور قرار دادن وضعیت تجارت در عهد تیموریان در الگوی منطقه‌ای خراسان و ماوراءالنهر، یک پرسش بنیادی را مورد توجه قرار می‌دهد: وضعیت تجارت در مناطق خراسان و ماوراءالنهر در عهد تیموریان چگونه بود؟ با در نظر گرفتن سؤال مطروحه و بر اساس مندرجات منابع تاریخی، پاسخی قابل‌ارائه می‌باشد. اهمیت ویژه تجارت نزد حکمرانان تیموری، موقعیت جغرافیایی مناسب خراسان و ماوراءالنهر، برخورداری این مناطق از کالاهای متنوع و همچنین درگیر بودن چندین شهر عمده این مناطق در کار تجارت، مجموعه‌ای از عوامل مؤثر بر رونق تجارت در خراسان و ماوراءالنهر می‌باشند.

۱- تأثیر تحولات سیاسی - نظامی بر وضعیت تجارت خراسان و ماوراءالنهر

در عهد هجوم مغول، نواحی خراسان و ماوراءالنهر بیشترین آسیب را متحمل گردید. در عهد ایلخانان نقش واسطه‌ای این مناطق برای تجارت با چین، هند و ترکستان (۱)، کماکان اهمیت داشت. با وجود تمامی مزایای مذکور، این مناطق غربی بودند که به دلیل مرکزیت سیاسی ایلخانان، از اهمیت تجاری بیشتری در سیاست‌گذاری ایلخانان برخوردار بودند. نقش تحولات سیاسی بر وضعیت تجارت خراسان و ماوراءالنهر، در دوره تیموریان به شکل دیگری رقم خورد. تیمور علی‌رغم اشتغال دائمی به جنگ، به مقوله رونق تجارت توجه خاصی داشت. غالباً این توجهات برای دستیابی به دو هدف صورت گرفت: یکی آبادان سازی شهر سمرقند بود (کلاویخو، ۱۳۸۴: ۲۸۵). و هدف دوم رونق‌بخشی به خزانه سلطنتی از طریق کسب درآمدهای بخش تجارت بود. لذا از تجارت حمایت می‌کرد (حسینی تربتی، ۱۳۴۲: ۲۱۵-۲۱۶).

تیمور در راستای دستیابی به هدف نخست، روابط با شاهان سایر سرزمین‌ها برقرار ساخت. در نامه‌ای به شارل ششم (شاه فرانسه) بر لزوم تأمین امنیت برای بازرگانی تأکید کرده و این فعالیت‌ها را برای آبادسازی سرزمین‌ها ضروری می‌داند (اسناد و مکاتبات تاریخی ایران، ۱۳۵۶: ۱۲۶). همچنین در پاسخ به نامه تبریک شارل ششم برای پیروزی‌اش بر عثمانی، از جایگاه والای طبقه بازرگان می‌گوید و از او تقاضای اعزام بازرگان به سرزمین خراسان و ماوراءالنهر دارد و اشاره دارد که لزوم این روابط ایجاد امنیت برای آن‌هاست (همان، ۱۲۷). در تزوکات، تجار در زمره طایفه دوازدهم از طبقات اجتماع عهد تیمور ذکر شده‌اند. آنان ملزم به مسافرت سایر بلاد بودند تا کالاهای نفیس به سرزمین تیمور بیاورند (حسینی تربتی، ۲۱۵-۲۱۶).

تیمور در راستای ایجاد فضای امن برای تجار خراسانی در مسیر شامات، در ذی‌حجه ۷۹۵ ق گوشمالی سختی به راهزنان منطقه تکریت در عراق عرب داد (میرخوانده، ۱۳۸۰: ۱/۶ - ۴۸۰۱-۴۸۰۲). نمونه‌هایی از توجه خاص تیمور به تأمین امنیت تجار وجود دارد. تجار دریایی و بازرگانان هر بلاد، کالاهای مناطق را به سهولت جابه‌جا می‌کردند و این امر در سایه امنیتی بود که تیمور برای آنان فراهم ساخته بود (خواندمیر، ۱۳۳۳: ۳/۳۹۷). «شامی» به گستره بسیار وسیع مستملکات تیمور از سرحد چین تا دهلی و از باب‌الابواب تا مصر و روم اشاره دارد که تاجران به سهولت کالاها را در این گستره جغرافیایی جابه‌جا می‌کردند (شامی، ۱۳۶۳: ۹).

سیاست‌های اقتصادی تیمور به‌ویژه گسترش سیستم پولی، تأثیرات مثبتی بر گسترش تجارت در بازارهای داخلی و خارجی داشت (توختی‌یف، ۱۳۷۷: ۲۸). حسن توجهش به مقوله تجارت و تلاش‌های دیپلماتیک وی برای تأمین امنیت تجار در خلال ارسال نامه به‌جانب ملک برقوق - حکمران ممالک مصر - نیز دیده می‌شود. او در این نامه اصرار دارد که طرفین در تأمین آسایش برای اهل تجارت در حدفاصل ممالک ماوراءالنهر و مصر تلاش کنند (میرخوانده، ۱۳۸۰: ۱/۶). پس از تصرف بغداد، نامه‌ای به ملک ناصر (فرج) نگاشت و نکاتی را در رفع تعدی مأموران مصری به تجار در سرزمین مصر و شامات گوشزد ساخت (مکتوب تاریخی تیمور به پادشاه مصر، ۱۳۱۲: ۶۸۳) (۲). تیمور تأکید دارد تا «میان مسلمانان معاملات دادوستد برقرار باشد» (همان: ۶۸۴-۶۸۶). بعدها همین رویه را شاهرخ نیز در پیش گرفت. نامه‌ای از وی با این مضمون در دست است. شاهرخ در این نامه به ملک ناصر مصری درباره غارت اموال تجار ایرانی در مصر، تذکر داده و آن را نتیجه قصور گماشتگان حاکم مصر دانسته، و به جبران آن، تقاضای پرداخت خسارت تجار را کرد (اسناد و مکاتبات تاریخی ایران، ۱۳۵۶: ۱۴۶-۱۴۹). اقدامات تأمینی تجارت از جانب تیمور بر محوریت شهر سمرقند صورت پذیرفت. در چهار جهت از این شهر، با احداث رباطها و گماشتن افرادی برای خدمت‌رسانی به مسافرین و تجار، زمینه‌ای فراهم ساخت که چنانچه مسافرتی چندماهه نیز انجام می‌گرفت، که به ادعای برخی مورخان تیموری کماکان امنیت برای کاروان‌های تجاری برقرار بود (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۱/۱۴۳).

در تجارت تیموریان بعد از دوره تیمور، اقدامات شاهرخ، ابوسعید و بایقرا اهمیت دارد. در دوران این سه امیر تیموری، گاه نظم عمومی به‌عنوان فاکتور مؤثر بر رونق اقتصادی، دچار نقصان می‌شد. اما به‌طور کلی دوران آنان از ثبات نسبی برخوردار بود و بر رشد تجارت تأثیر داشت (رویمر، ۱۳۸۰: ۱۸۵). با در نظر گرفتن نقش مثبت این سه تن در تجارت، باید توجه داشت که محدوده قلمرو آنان کوچک‌تر از زمان تیمور بود و این امر می‌توانست دامنه ترددات تجاری برون‌مرزی را محدود سازد.

اقدامات رونق‌بخش شاهرخ، حائز اهمیت است. دادوستدهای کالایی و نیز انجام معاملات به نقد و یا کالا به کالا یکی از این عوامل است. به نوشته عبدالرزاق سمرقندی، رفتار عادلانه دیوانیان او با تجار در رونق تجارت نقش داشت (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۲/ ۶۹۰). «علاءالدین علیکه کولتاش» در منصب وزیر مالیه دیوانسالاری شاهرخ، به سود تجارت عمل می‌کرد. ثبات مدیریتی او در این منصب، بر رونق تجارت خراسان و ماوراءالنهر مؤثر افتاد (همان، ۵۰۰). شاهرخ برای تبدیل کردن هرات به یک مرکز تجاری، فرمان بازسازی تمامی بازارها و تیمچه‌های اصناف را صادر کرد (حافظ ابرو، ۱۳۴۹: ۱۰). ایجاد زیرساخت‌های مذکور زمینه‌ای برای ورود تجار از مناطق دیگر به بازارهای هرات شد.

شاهرخ در انتصابات خویش نیز به مسئله تأمین امنیت راه‌ها و برقراری نظم عمومی برای کار تجارت توجه داشت. در پروانچه‌ای از او، به ویژگی‌هایی برمی‌خوریم که برای حاکم اعزامی نیشابور برشمرده: «در امن راه‌ها و اهل فواصل و محافظت طرق و دفع دزدان و بدراهان و مفسدان و قطع مواد فساد ایشان اجتهادات مرضیه به ظهور رساند» (شهاب‌منشی، ۱۳۵۶: ۲۳۸). نمونه دیگری از این قسم ویژگی‌ها را نیز در فرمانی دیگر برای حاکم اعزامی سبزواری داریم (همان، ۲۳۹). ورود درآمدهای حاصل از بخش کشاورزی به چرخه تجارت، در رونق تجارت نقش داشت. برخی از مالکان اراضی زراعی، رفته‌رفته نقش تاجر گرفتند و با شاهدگان شریک می‌شدند. شاهدگان تاجر را «ارتاق» می‌گفتند (جوینی، ۱۳۸۵: ۶۸۸). در عهد مغول، ارتاق‌ها تاجرانی بودند که از خزانه حکومتی وام می‌گرفتند. اصل مبلغ را به همراه سود حاصل از تجارت، به خزانه عودت می‌دادند.

قرارگیری چندین شهر خراسان و ماوراءالنهر در طول مسیرهای ارتباطی عهد تیموریان، بر رونق تجارت تأثیر بسزایی داشت. مهیاسازی شهر سمرقند و بنای عمارات و بازارهای آن با اقدامات گسترده تیمور صورت پذیرفت. تلاش‌های شاهرخ و جانشینانش نیز در زمینه احیاء شهرهای خراسان، دارای اهمیت است (۳). در هرات پنج دروازه اصلی در حصار شهر تعبیه گردید. دروازه «هرات» به سمت غرب، دروازه «خوش» به سمت شرق، دروازه «فیروزآباد» به سمت جنوب و هند، به سمت شمال نیز دو دروازه وجود داشت: یکی «درب میدان» یا «درب ملک» و دیگر «درب قیچاق» (حافظ ابرو، ۱۳۷۰: ۱۴). هر یک از این دروازه‌ها بر مسیرهای عبوری از هرات قرار داشتند و کمک شایانی به رونق تجارت می‌کردند. بنای شاهرخیه در ساحل سیحون و در مسیر خراسان به ماوراءالنهر، نمونه مناسبی از شهرسازی تیموریان با هدف رونق تجارت بود. شاهرخیه بندرگاهی برای بارگیری کشتی‌ها در حدفاصل ماوراءالنهر و خراسان بود (ابن عربشاه، ۱۳۸۶: ۴۲). در ظفرنامه یزدی، شاهرخیه همان فناکنت معرفی شده که توسط سپاه چنگیز به‌طور کلی ویران شد. تیمور در ۷۹۴ هجری آن را بازسازی کرد.

شهری جدید سر برآورد که امیر تیموری آن را به نام فرزندش شاهرخ، «شاهرخیه» نام نهاد (یزدی، ۱۳۸۷: ۱۲۷۸/۲).

بخشی دیگر از اقدامات رونق‌بخش، مختص تأمین امنیت برای تجار خارجی بود. بایقرا در فرمانی برای محافظت از دو تن فرستادگان خواجه جهان وزیر ایرانی فرمانروای بهمنی دکن، دستوراتی برای گذر ایشان به سلامت از مسیر هند به خراسان صادر کرد. بایقرا به تمامی حکام و داروغه‌های این محور فرمان داد تا از آنان هیچ‌گونه عوارضی نگیرند. در صورت بروز هرگونه دزدی از آن‌ها، داروغه موظف به استرداد اموالشان گردید (نظامی، ۱۳۵۷: ۱۸۴-۱۸۵). دریافت‌های بیش از مقرر مصوبه تمغا، بر روند ورود تاجران به منطقه خراسان، تأثیر منفی داشت. در دوران بایقرا، «علیشیرنویی» شخصاً بر این موضوع نظارت داشت (جامی، ۱۳۷۸: ۹۸). تا مأموران حکومت از تاجران واردشده به خراسان، عوارض خارج از عرف نگیرند.

دولت تیموریان در برهه‌هایی سیاست اعطای وام از خزانه حکومتی به برخی تجار را پیش گرفت. یکی از موارد حمایتی الغیبیگ از بازرگانان، اعطای پول از خزانه دولت بدانان بود و در عوض سهمی از سود بازرگانی را از آنان اخذ می‌کرد (بارتولد، ۱۳۳۶: ۲۱۱). در طریقت برخی صوفیان خراسانی نیز پرداختن به تجارت در زمره آموزه‌هایشان قرار داشت. در آموزه‌های نقشبندیه از تجارت به‌عنوان عملی برای استقلال از حکام جور یاد شده است. لذا پیروان این فرقه به تجارت اهتمام خاصی داشتند. خواجه احرار (۸۰۶-۸۹۵ ق) که دوران شاهرخ، ابوسعید و بایقرا را تجربه کرده، در کار تجارت ید طولایی داشت. او بازرگانی محور بخارا-سمرقند را به‌طور کامل در اختیار خویش داشت. مزارع و روستاها، بازارها و حجره‌های تجاری بسیاری در شهرهای خراسان و ماوراءالنهر در تملک داشت و سود بازرگانی بسیاری از این طرق عاید وی می‌شد (فراهانی‌منفرد، ۱۳۸۱: ۲۶۲).

۲- مسیرهای تجاری و روابط تجاری خراسان و ماوراءالنهر

۲-۱. مسیرهای تجاری

در دوره تیموریان، تجارت از طریق مسیر خشکی بر سفرهای دریایی اولویت داشت (شجاع، ۱۳۵۰: ۱۳۴). خراسان و ماوراءالنهر به‌عنوان پایگاه اصلی فرمانروایی تیموریان، در تقاطع مسیرهای تجاری خشکی قرار داشت. مسیری به‌جانب چین، راهی دیگر به‌جانب سند و هند و مسیری دیگر به‌جانب آنتولی و سواحل شرقی مدیترانه می‌رفت. عبدالرزاق سمرقندی این قابلیت را در عهد شاهرخ، این‌چنین

توصیف کرده: «در دور عدل این پادشاه از مصر تا چین یک کوچه راه است و اطراف جهان و صحرا و بیابان ... آبادان شد» (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۵۶۰/۳).

الف- مسیرهای چین: خراسان و ماوراءالنهر از طریق سه مسیر خشکی به سرزمین چین، دسترسی داشت. نخست مسیر کشمیر، دوم مسیر ختن و سوم از مسیر مغولستان. مسیر کشمیر و ختن بیابانی و غالباً دستیابی به آب در آن دشوار بود. مسیر مغولستان نیز شامل سرزمین‌های اولوس چغتای بود. تیمور در طول این مسیر و به فاصله هر منزل آن، یک قلعه حراستی بنا نهاد (خطائی، ۱۳۷۲: ۳۹).
مسیر تجاری سمرقند به خانبالیخ: طول این مسیر به لحاظ زمانی بالغ بر شش ماه بود که سمرقند پایتخت تیموریان را به خانبالیخ پایتخت امپراتوری مینگ در چین متصل می‌کرد. این مسیر، مسیری بیابانی بود که قبائل دامدار کوچ رو در آن ساکن بودند (کلاویخو، ۱۳۸۴: ۲۸۸). از کنار جیحون تا ابتدای قلمرو چین، سه ماه راه بود. به لحاظ منازل میانه راه، این مسیر دارای نود منزل بود که هر یک قلعه‌ای برای حفاظت از کاروان‌ها داشت (خطائی، ۱۳۷۲: ۳۹-۴۰). سمرقند به کاشغر و از آنجا به منطقه ختن می‌رسید. سپس به شهر «سکجو» و متعاقب آن «قمجو» در قلمرو حکومت چین منتهی می‌گردید (نقاش، ۱۳۷۲: ۳۰۳-۳۰۴). دربند سکجو مرز ممالک تیموری با چین بود (خطائی، ۴۰). حداقل ختن به خانبالیخ، ۱۶۱ منزل بود (یزدی، ۱۳۸۷: ۱۰۰۴/۲). «یزدی» اشاره دارد که از سمرقند تا کاشغر ۲۵ منزل و از کاشغر تا ختن، ۱۵ روز راه بود (همان، ۱۰۰۳/۲). در امتداد این مسیر تجاری، مسیر تجاری هرات به وخان (۴) قرار داشت که از دوره ایلخانان تا پایان حکومت تیموریان رونق تجاری داشت (بارتولد، ۱۳۰۸: ۲۱۴).

ب- مسیرهای خوارزم و دشت قیچاق: تیمور اندیشه بهره‌برداری از جاده ابریشم را در سر داشت. حمله او به خوارزم و سپس شهر سرای (۵)، برای منحرف ساختن مسیر تجاری شمال خزر به دریای سیاه بود، تا آن را به ماوراءالنهر و سمرقند منتقل کند (فرانک، براونستون، ۱۳۷۶: ۳۱۲). او سمرقند را قلب جاده ابریشم کرد. کاروان‌هایی از چین و سبیری به سمرقند در حال گذر بودند. کالاهای باز، سمور و خز سمور از سبیری و نیز کتان و انواع پوست روسی را بازرگانان روسی از این مسیر عبور می‌دادند (همان: ۳۱۹-۳۲۰). حمله سال ۷۹۹ هجری تیمور به دشت قیچاق که برای سرکوب توقتمش صورت گرفت، افزون بر اهداف نظامی - سیاسی، دارای دلایل تجاری نیز بود. شهرهای «حاجی‌ترخان» و «سرای» نابود گردید. ضبط انبارهای کالا و غنائم بسیار تجاری صورت گرفت (حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۸۰۹/۲). تیمور شخصاً حاجی‌ترخان را تصرف کرد (یزدی، ۱۳۸۷: ۸۲۵/۱). و مأموریت تصرف سرای را به امیرزاده پیرمحمد سپرد (واله‌اصفهانی، ۱۳۷۹: ۲۱۷-۲۱۹). خوارزم مرکز تجاری مهمی بود که با دشت

قبچاق دارای ارتباط بود. این رابطه به قرون نخست اسلامی بازمی‌گشت (فرای، ۱۳۸۲: ۸۶). مسیر تجاری خوارزم به سرای در قبچاق، در قبل از تیمور رونقی بسیار داشت. از سرای نیز مسیری به سمت دریای سیاه و بنادر «تانا» و «کافا» برقرار بود. تیمور اندیشه انتقال رونق این مسیر را به سواحل خزر داشت. لذا با این هدف به سرای و حاجی‌ترخان یورش برد (پیگولوسکایا و دیگران، ۱۳۵۴: ۴۲۹). لشکرکشی‌های تیمور به خوارزم، منجر به ویرانی اورگنج گردید که نقطه آغاز این مسیر تجاری بود. سپس حاجی‌ترخان و سرای از رونق افتاد و با ضربه زدن به این مسیر تجاری، رونق از بنادر «تانا» و «کافا» نیز رخت بر بست (حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۶۷۶/۲). سیاست تیمور مؤثر افتاد و مسیر تجاری سمرقند به سلطانیه اهمیت ترانزیتی بسیاری به خود گرفت.

ج) مسیر تجاری سمرقند به هند: سمرقند از طریق گذرگاهی کوهستانی، به‌جانب هند دارای مسیری کاروانرو بود و این گذرگاه از دروازه شهر سمرقند می‌گذشت. بازرگانان عبوری از آن، به دولت تیموریان باج می‌پرداختند (کلاویخو: ۲۱۰). از فرغانه، ترکستان، سمرقند و بخارا، حصار و بدخشان کاروان‌ها به کابل می‌رفتند. کابل دروازه ورود به شبه‌قاره بود (بابر، ۱۳۰۸: ۸۱). تجار هندی محصول ادویه خویش را در امتداد این مسیر به سمرقند می‌رساندند (آکا، ۱۳۹۰: ۲۶۲). مسیر تجاری مهم با نام راه ادویه از هند آغاز و از طریق گذرگاه خیبر به جنوب خراسان وارد می‌رسید. مسیر غربی این جاده از طریق سمرقند و بست به هرات، و مسیر شرقی آن از طریق غزنین به کابل، بامیان و بلخ می‌رسید (بارتولد، ۱۳۰۸: ۶۷).

د) مسیر تجاری هرات، کابل، هند: این مسیر نیز در قاموس تجاری تیموریان دارای اهمیت بسیار بود. کالاهایی از هند به کابل می‌آمد و از آنجا به همراه تولیدات و صنایع ساخت کابل و هرات، به قلمرو تیموریان می‌رسید (بابر، ۱۳۰۸: ۸۰). مسیر دیگری از هرات به قندهار می‌رسید و از آنجا به هند می‌رفت (همان، ۸۱).

ه) مسیر تجارتی قندهار - دیاربکر: این مسیر به لحاظ امنیت یکی از بهترین نمونه‌ها بود. چنانچه آسیبی به کاروان‌های این مسیر وارد می‌آمد، مجازات‌های شدیدی اعمال می‌شد. سرتاسر این مسیر را شبکه‌ای پستی پوشش می‌داد (رویمر، ۱۳۸۰: ۱۴۲). مسیر دیگری از هرات تا دیاربکر وجود داشت. تأمین امنیت کاروان‌های تجاری این محور، برای دولت تیموریان حائز اهمیت بود. میان بایقرا و برخی فرمانروایان غرب ایران و آناتولی، توافقاتی در این زمینه صورت می‌گرفت (نوایی، ۱۳۵۶: ۳۴۷). در درون این محور، مسیر تجاری سمرقند به تبریز، یکی از پرترددترین مسیرهای تجاری بود. که از

سلطانیه به ری و از آنجا به شهر نیشابور می‌رسید (کلاویخو: ۱۸۸). در طول این مسیر به فواصل یک‌روزه و یا نیم‌روزه، چاپارخانه وجود داشت (همان، ۱۶۴). نکته قابل توجه در خصوص راه‌های تجاری روزگار تیموریان، نقش دو شهر سمرقند و هرات است. اغلب مسیرهای تجاری تیموریان از این دو مرکز می‌گذشت. اتحاد سیاسی سمرقند و بخارا، بر رونق مسیرهای تجاری مؤثر افتاد. پس از وفات تیمور و وقوع جنگ‌های داخلی تیموریان، این شاهرخ بود که وحدت سیاسی خراسان و ماوراءالنهر را دوباره برقرار ساخت.

۲-۲. روابط تجاری:

حجم روابط تجاری در دوران حکومت تیمور، محدود بود. اشتغال دائمی او به عملیات‌های نظامی، از عوامل مؤثر بر این امر بود (یزدی، ۱۳۸۷: ۲ / ۱۳۳۸). تیمور پس از غلبه بر عثمانی در اندیشه ایجاد رابطه با دول اروپایی برآمد. هرچند که از متن نامه‌های تیمور به سران اروپایی چنین برمی‌آید که قصد او بیشتر سیاسی - نظامی بوده، اما مطرح ساختن نقش بازرگانان، نشان از نیت او برای برقراری رابطه تجاری دارد. نامه مودت‌آمیز او به شارل ششم - پادشاه فرانسه - دارای چنین مضمونی است (اسناد و مکاتبات تاریخی ایران، ۱۳۵۶: ۹۶).

تیمور همچنین ارتباطی را با سرزمین چین و سلسله حکمران آن به نام «مینگ» برقرار کرد. رابطه‌ای که تا دوران شاهرخ و پس‌از آن نیز ادامه داشت. سلسله مینگ، روابطی با امیرنشین‌های تابعه‌اش در ترکستان و ماوراءالنهر قبل از ظهور تیمور داشت. این امیرنشین‌ها خراج‌گزار مینگ بودند. ظهور تیمور در ماوراءالنهر، جریان روابط مینگ با ترکستان و ماوراءالنهر را دچار چالش ساخت. گونه دیگر رابطه مینگ با ماوراءالنهر روابط بازرگانی در اشکال مختلف بود (Rajkai, 2007: 45). تیمور این رابطه را در قالب اعزام «مولانا حافظ» به دربار مینگ آغاز کرد. پانزده رأس اسب و دو رأس شتر تقدیم دربار چین شد. تیمور در ۷۹۴ ق در گروه اعزامی دیگری به چین، علاوه بر هدایای قبلی، توپ‌های پارچه و لباس‌های زربافت برای دربار چین فرستاد. دو سال بعد نیز هیئتی را به چین اعزام کرد (بارتولد، ۱۳۳۶: ۸۲). دربار مینگ در پاسخ به حسن مودت تیمور، «آن چرنی داتو» و «گوتزی» را به سفارت سمرقند فرستاد. آن دو با خود سنگ‌های قیمتی و پول کاغذی به تیمور هدیه کردند (همان:

دو کانال ارتباطی برای روابط بازرگانی طرفین وجود داشت. یکی از طریق هیئت‌های سفرایی و دیگر از طریق ارتباط در نواحی مرزی ماوراءالنهر با چین بود. بازرگانان هر یک از دولت‌ها با کسب مجوز از حکومت مرکزی، اجازه داشتند تا در خاک دیگری به انجام معاملات بپردازند (Rajkai: 46). «آق سو» و «حامی» دو بازارچه فعال دولت مینگ در تجارت با ماوراءالنهر بودند. دولت مینگ کار در این بازارچه‌ها را منوط به صدور مجوزهایی کرده بود (ibid, 47, 103). شهر حامی (۶) دروازه ورود اسب‌های ماوراءالنهری به چین بود. در واقع، حامی منطقه حائلی برای ارتباط بازرگانی با ماوراءالنهر بود که دولت چین بر آن نظارت داشت. چینی‌ها امنیت مسیر تجاری این نواحی را برقرار ساختند تا هم از منافع تجاری بهره برده و هم بر امور نظامی و سیاسی نظارت داشته باشند (ibid, 104). مسیر تجاری سمرقند، آق سو، بیش‌بالیغ یکی از مسیرهای اصلی تجارت با چین بود که به شهر «حامی» (Hami) در خاک چین می‌رسید. کالاهای چینی به‌وفور در بازار شهرهای ماوراءالنهر و خراسان یافت می‌شد. کلاویخو از صنایع ساخته دست چینی‌ها گفته که خود در بازارهای سمرقند دیده و شرح آن را آورده است (کلاویخو: ۲۸۸).

تیمور از خلال ایجاد رابطه بازرگانی با چینی‌ها افزون بر منافع اقتصادی، هدف کسب اطلاعات از چین را داشت تا بتواند در دوران پس از فراغت جنگ‌های ایران و آناتولی، به آن سرزمین لشکرکشی کند. گویا این سوءظن را «هونگ‌وو» (۷) امپراتور چین نیز داشت و در جنگی که او در مناطق مغولستان داشت، شهر «بویورنور» (۸) را تصرف کرد و تعدادی بازرگان اهل ماوراءالنهر را با خود به خانبالیغ برد. آنان تا ماه‌ها در چین به تجارت اشتغال داشتند اما سوءظن هونگ‌وو بدیشان که آنان جاسوسان حکام ماوراءالنهر هستند - منجر به اخراجشان از چین گردید (Rajkai: 50). گویا تیمور نیز کاروانی با هشتصد شتر بار کالا که از چین به سمرقند آمده بود را بازداشت کرد. از اعضای کاروان در خصوص سرزمین چین کسب اطلاعات کرد. بازرگانان تاتار شاغل در این کاروان، اطلاعات را در اختیار تیمور نهادند (کلاویخو: ۲۸۸-۲۸۹).

اعتقاد «فراگنر» در تاریخ تیموریان کمبریج بر آن است که علاقه تیموریان بیشتر بر پیشرفت مراکز تجاری داخلی شرق ایران یعنی سمرقند و هرات بوده و آنان توجهی به توسعه تجارت فرا منطقه‌ای ایران مابین شرق و غرب نداشتند (رویمر و دیگران، ۱۳۷۸: ۲۴۱). این تئوری قابل چالش است چراکه ارتباطات گسترده تجاری با چین، چه در دوران تیمور و چه در دوران جانشینانش، برقرار بود و هیئت‌های تجاری میان ایران و چین مبادله می‌شد. رابطه‌ای که جریانی دوسویه داشت. چینی‌ها سفیری با نام «آن چزی دائو» را جهت عرض تسلیت مرگ تیمور به دربار شاهرخ فرستادند. هیئت

بعدی را «بوا آر هین تایی» سرپرستی می‌کرد که گروهی بازرگان به همراه کالا را با خود داشت (بارتولد، ۱۳۳۶: ۱۸۱-۱۸۰). زبده التواریخ از اعزام سفیری به نام «اردشیر تواجی» از سوی شاهرخ به چین خبر می‌دهد (حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۳/۶۵۵). رونق مسیر تجاری چین در حکمرانی شاهرخ تیموری فزونی یافت و او از این روند حمایت کامل می‌کرد (آکا، ۱۳۹۰: ۲۶۱). در حکمرانی شاهرخ، الغیبیگ روابطی گسترده با چین داشت که بخش قابل توجهی از آن را امور تجاری تشکیل می‌داد (رویمر، ۱۳۸۰: ۱۵۳). شاهرخ نیز به اهمیت رابطه تجاری با چین پی برده بود. نامه‌ای از او به پادشاه چین در دست است که از نیت وی برای توسعه تجارت حکایت دارد (نویی، ۱۳۷۰: ۹۰). امپراتور چین به سبب نیاز به اسب‌های تولیدی ماوراءالنهر برای نبرد با قبائل مغولی شمال چین، لحنی دوستانه و روابط حسنه بازرگانی با شاهرخ داشت. شاهرخ تشریفات خاصی را برای استقبال سفرای چینی تدارک دید (حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۳/۴۵۹). حافظ ابرو، متن نامه امپراتور چین را آورده که در بخشی از آن برای تأمین امنیت تجارت مابین ماوراءالنهر و چین توصیه‌هایی به شاهرخ داده شده است (همان، ۳/۴۶۱).

«چنگ‌چنگ» یکی از سفرای اعزامی «مینگ» به هرات است که اقامتی دوماهه را در خراسان داشت. گزارشات او برای دربار چین، توصیف اوضاع اقتصادی و بازرگانی قلمرو تیموریان است. بازارهای هرات، واحد پولی در معاملات و نیز توصیف منابع طبیعی منطقه، بخش قابل توجهی از گزارشات وی می‌باشد. او در بخشی دیگر از گزارش خویش به اسب‌های ماوراءالنهری و خراسانی پرداخته و درباره نحوه پرورش آن‌ها، به دولت مینگ اطلاعاتی ارائه داد (Rajkai: 70). غیر از «شادی‌خواجه» نماینده مخصوص دربار شاهرخ، برخی از حکمرانان خراسان و ماوراءالنهر نیز سفرایی در دربار چین داشتند تا اهداف تجاری آنان را تأمین کنند. بایسنقر که حکومت ولایت نیشابور را داشت (سمرقندی، ۱۳۸۲: ۴۶۵) «غیاث‌الدین نقاش» را به خانبالیغ فرستاد (نقاش، ۱۳۷۲: ۲۷۱). سلطان‌شاه و محمدبخشی، نمایندگان سمرقند نیز از جانب الغیبیگ به چین رفتند. ارغداق و اردوان از جانب سیورغتمش‌خان (حاکم کابل) و «تاج‌بدخشان» از جانب شاه‌ملک شاه بدخشان، مأموریت دربار چین یافتند (همان، ۲۷۲). مقاصد بازرگانی بخشی از مأموریت محوله به این سفیران بود. هر یک از حاکمان منطقه، به دنبال سود بازرگانی با سرزمین چین بودند. این امر بر رونق تجاری خراسان و ماوراءالنهر تأثیر مثبت داشت. در میان این هیئت‌ها تاجران بودند که کالاهایی چون اسب، شتر، گوسفند، شیر و گربه‌های وحشی را به چین بردند و در عوض پارچه‌های ابریشمی مرغوب، منسوجات، نقره و انواع کالاهای لوکس چینی را با خود به ماوراءالنهر و خراسان آوردند (واله‌اصفهانی، ۱۳۷۹: ۴۹۴-۴۹۵).

در ۸۳۰ ق سفیری به نام «هادم لی گوئل» از سوی امپراتور چین به دربار هرات آمد. او حامل پیامی برای شاهرخ بود که درخواست ایجاد امنیت برای بازرگانان چینی در خراسان و ماوراءالنهر را داشت (بارتولد، ۱۳۳۶: ۱۸۴). در واقع ضرورتی در بازرگانی سلسله مینگ با ماوراءالنهر و خراسان وجود داشت. تهیه اسب ضرورتی برای چینیان بود. سرزمین چین هیچ‌گاه زمینه پرورش اسب‌های خوب را نداشت. لذا چین به اسب‌های تولیدی ماوراءالنهر نیاز مبرم داشت (خطائی، ۱۳۷۲: ۱۴۳). تجارت اسب ماوراءالنهری با محصول چای چینی برقرار گردید. این نوع خاص از تجارت، به تجارت «چای - اسب» شهرت یافت. رفته‌رفته بازارچه‌هایی برای این مبادله ایجاد گردید. علاوه بر چای، محصولات چینی چون نمک و منسوجات چینی نیز در این بازارچه‌ها عرضه گردید. به لحاظ حجم تجاری، شصت درصد از تجارت چای - اسب در چنگ تجار چینی بود (Rajkai: 47). کالاهای ارسالی از ماوراءالنهر را تاجران بومی به بازارچه‌های مرزی چین حمل می‌کردند. لذا در این میان باید به نقش تجار ماوراءالنهری نیز توجه داشت. ایجاد رابطه با سرزمین ماوراءالنهر سوای اهمیت سیاسی، می‌توانست از لحاظ صادرات کالای چینی به خراسان و ماوراءالنهر، دارای سود بازرگانی باشد (ibid, 157).

استقرار شاهرخ در هرات و تمرکز بر اداره خراسان و ماوراءالنهر، در توجه هر چه بیشتر تیموریان به شرق تأثیر داشت (نوروزی و برومند، ۱۳۹۵: ۲۶۹). روابط تجاری گسترده با چین و حکام شبه‌قاره هند، با این طرز تلقی انجام گرفت (همان، ۲۶۹). فعالیت تجاری در بنادر جنوب هند و به‌ویژه کالیکوت در جنوب غرب هند، زمینه‌ساز برقراری روابط شاهرخ با کالیکوت و حکومت بیجانگر شد (همان، ۲۷۰). اعتبار بندر کالیکوت در تجارت دریایی اقیانوس هند، مورد توجه شاهرخ بود (همان، ۲۶۲). فرستاده شاهرخ به دربار حکام شبه‌قاره، عبدالرزاق سمرقندی نویسنده کتاب مطلع السعدین بود. او در رمضان ۸۴۵ ق راهی کالیکوت شد (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۵۱۰/۲-۵۱۲). سمرقندی سپس به دربار حاکم بیجانگر رفت (نوروزی و برومند، ۱۳۹۵: ۲۶۳). با وجود روابط خوب شاهرخ با حکام کالیکوت و بیجانگر در جنوب شبه‌قاره هند، روابطش با حکومت بهمنی دکن چندان حسنه نبود. بعدها این رابطه را بایقرا به‌جانب بهمنیان دکن هدایت کرد. بایقرا با عمادالدین محمودگاوان معروف به «خواجه جهان» وزیر ایرانی حاکم بهمنی منطقه دکن، رابطه بازرگانی داشت. در نشانی که از او در دست است، فرمان داده تا دو تن از فرستادگان حاکم دکن را از عوارض راهداری معاف دارند. آن دو، مسیر دکن به کابل و سپس تا هرات را پیمودند و بایقرا پرداخت عوارض راهداری را از ایشان معاف داشت (نظامی، ۱۳۵۷: ۱۸۴-۱۸۵). «خواجه جهان» نقش حامی را برای تاجران داشت که به خراسان و ماوراءالنهر می‌رفتند. نامه‌های چندی از وی به بایقرا در دست است که در آن‌ها سفارشات را مبنی بر برقراری امنیت تجار هندی

داشته است. در یکی از این نامه‌ها از تعرض به برخی از وابستگی‌هایش توسط مأموران بایقرا، گلایه کرده و خواهان بازپس‌گیری مال‌التجاره‌ای شده که از این‌جا گرفته شده است (خواججه جهان، ۱۹۴۸: ۲۰۱-۲۰۲). در نامه‌های مودت‌آمیز خواججه جهان برای عبدالرحمن جامی نیز به رفت‌وآمد تاجران مابین دو سرزمین خراسان و دکن، اشاراتی شده است (همان، ۲۳۲).

۳- مراکز تجاری منطقه

در تجارت مناطق خراسان و ماوراءالنهر در عهد تیموریان شهرهایی وجود دارند که به لحاظ اهمیت و نیز کارکردهای تجاری، شاخص هستند. بخش قابل‌توجهی از فرآیند تجارت منطقه در این شهرها رقم خورده و ما در این بخش با عنوان مراکز تجاری از آن‌ها یاد کرده‌ایم.

الف) سمرقند: این شهر در حکمرانی تیمور، مرکزی عمده برای تولید کالا بود. پیشه‌ورانی از هر صنف در آن فعالیت داشته و نیز بازرگانی از سایر سرزمین‌ها به کار تجارت اشتغال داشتند. سمرقند بازاریایی داشت که کالای آن از روسیه، تاتارستان، چین و هند تأمین می‌شد. عمده آن‌ها چرم، کتان، پرنیان، سنگ، روغن، ادویه و... بود. تجار چینی از فعال‌ترین تجار در سمرقند بودند (کلاویخو: ۲۷۵). عبور شاخه‌های جاده ابریشم از شهرهای ماوراءالنهر از جمله سمرقند، بر تبدیل شدن این شهر به یک مرکز تجاری عمده، تأثیر داشته است.

هرساله از چین و هند و نیز تاتارستان، همه‌گونه کالا وارد سمرقند می‌شد. تیمور برای رونق هر چه بیشتر تجارت آن، ابنیه متعددی را در شهر احداث کرد که بازاری کارآمد برای عرضه کالاهای تجار شد (۹) (همان، ۲۷۶). استقرار تشکیلات حکومتی تیمور در این شهر، بر اهمیت اقتصادی آن افزود. سمرقند کانون اصلی حکومت و مرکز خریدوفروش انواع کالا گردید (رویمر و دیگران، ۱۳۷۸: ۱۹۷). کلاویخو توصیفی از اردوگاه شاهی در کنار شهر سمرقند ارائه می‌دهد که با عنوان «سرپرده شاهی» موسوم بود. چادرهای به‌رَدیف در کنار هم «ما را از این جاده که در طول آن کالاهای گوناگون موردنیاز سپاهیان و برای فروش عرضه کرده بود بردند» (کلاویخو: ۲۳۸). نمونه‌ای دیگر از این بازارهای حکومتی که با شراکت تجار برپا می‌شد، مصادف با مراسم عروسی شاهزاده الغیبیگ بود. در چمن اردوگاه بزرگ حاشیه شهر سمرقند به فرمان تیمور جمعی از اصناف حاضر شدند و کالای خویش را عرضه داشتند. تجار نیز حضور فعالی را در این اردو بازار داشتند (همان، ۲۴۹-۲۴۸).

یکی از مهم‌ترین کالاهایی که مرکز تجاری سمرقند بدان شهره بود، ادویه بود که بازار آن در مقایسه با بازار شهر اسکندریه در مصر از تنوع بیشتری برخوردار بود (همان، ۲۸۶). همچنین این شهر مرکز تجاری ارزشمندی برای صادرات جواهرات، پارچه‌های ابریشمی و غیر ابریشمی به سرزمین چین بود (باربارو و دیگران، ۱۳۴۹: ۸۴). رونق هرات، پیامدهای منفی را در رونق مرکز تجاری سمرقند برجای نهاد. این مرکز تجاری در عهد بایقرا دچار سیری نزولی گردید که توأم با رشد اقتصادی و تجاری در مرکز هرات بود.

ب) هرات: رونق این مرکز بیشتر پس از دوران حکمرانی تیمور رقم خورد. که مصادف با حکمرانی شاهرخ در این شهر است. موقعیت طبیعی مناسب این شهر و پیشینه مناسب شهری و زیرساختی آن که مربوط به حکومت آل کرت در این شهر بود، برخی جانشینان تیمور را بر آن داشت تا آن را به پایتخت سیاسی خویش برگزینند. هرات در الگوی تجاری تیموریان سهمی مهم یافت و مرکز اصلی تجارت شمال - شرق و جنوب به غرب بین اردوی زرین، خوارزم، هند و تجارت غرب به شرق بین ایالات آناتولی و آذربایجان و نواحی غربی چین بود (رویمر و دیگران، ۱۳۷۸: ۱۹۸).

انتقال مرکزیت سیاسی تیموریان به هرات توسط شاهرخ، تاندازه‌ای از رونق اقتصادی سمرقند کاست. هرچند الغ‌بیگ در ماوراءالنهر راه تیمور را در پیش گرفت، اما این هرات بود که دوران رونق اقتصادی خویش را آغاز کرد. پس از وفات شاهرخ، نواده‌اش ابوالقاسم بابر به حکومت هرات رسید. با مرگ وی در ۸۶۱ هجری، ابوسعید عهده‌دار مدیریت شهر هرات گردید. هرات در طی این سال‌ها کماکان مرکز تجاری قابل توجهی است و سرمایه‌های تجاری بدان سرازیر می‌گردید. خواجه احرار درآمد حاصل از اراضی‌اش را در خدمت تجار قرار می‌داد (جامی، ۱۳۸۷: ۴۸۶/۱). رونق تجاری هرات در عهد بایقرا نیز شکوفاتر گشت. تجمع منابع ثروت، بر گسترش فعالیت‌های تجاری کمک کرد. بازارهای قدیمی گسترش یافت و احداث کاروانسراهای جدید در مسیر راه‌های تجاری به رونق هر چه بیشتر تجارت در هرات یاری رساند. احداث مریض‌خانه، عمارت‌ها و خانقاه‌های جدید همگی پیرو افزایش درآمدهای تجاری بود (آکا، ۱۳۹۰: ۲۶۸). ولایت قهستان در جنوب هرات و نیشابور قرار داشت. حافظ ابرو اشاراتی به کم‌آبی و محدودیت زراعت این ولایت دارد (حافظ ابرو، ۱۳۷۰: ۲۸-۳۱). این وضعیت محرکی برای گرایش اهالی قهستان به تجارت بود. این ولایت به داشتن بافت اجتماعی بازرگان و «اهل حساب» شهرت داشت (زمچی‌اسفزاری، ۱۳۳۸، ۱/ ۳۲۷). بازرگانان قهستانی فرایند مبادلات کالایی را در مرکز تجاری هرات در دست داشتند. بازارهای هرات به مهم‌ترین مرکز تجارت خراسان

مبدل شدند که بازرگانی از تمام نقاط دنیا بدان جا تردد داشتند (همان، ۱/ ۲۳). داشتن جمعیت بسیار و سکونت خانوارهایی بسیار که گاهاً تا سیصد هزار ذکر گردیده بر رونق اقتصادی هرات افزود (Schiltberger, 1995: 45). عبور شاخه‌های جاده ابریشم و نیز جاده ادویه از این شهر، هرات را به مرکز تجارت دنیای آن روز تبدیل کرد (رحمتی، ۱۳۹۲: ۸۹). رونق تجارت در مرکز هرات، نتیجه مجموعه اقداماتی است که از عهد شاهرخ آغاز و تا دوران بایقرا تداوم داشت.

ج) کابل نیز یکی از مرکز تجاری خراسان در عهد تیموریان است. کاروان‌های تجاری که از هندوستان می‌آمدند از بلخ و کابل می‌گذشتند. کابل مرکز عمده کالای هندوستان از جمله پارچه، شکر و انواع بخور بود. به نوشته بابر در زمان او سالانه بیش از پانزده هزار کاروان تجاری از آن شهر گذر می‌کرد. از فرغانه، ترکستان، سمرقند و بخارا، بلخ، حصار و بدخشان نیز کاروان‌هایی با بار کالای تجاری به کابل می‌آمد و اجناس تولیدی مناطق عراق، خراسان، آناتولی و چین را خریداری می‌کردند (بابر، ۱۳۰۸: ۸۱). در اواخر سده نهم هجری و سال‌های نخست سده دهم، جمعیت سوداگر کاروان‌داری که از هند به بازارهای کابل تردد داشتند، بالغ بر بیست هزار تن بودند (همان، ۸۲). این وضعیت مسبوق به سابقه خوب و پررونقی در عهد شاهرخ می‌باشد. واگذاری حکومت ولایت کابل و حوالی آن از جانب شاهرخ به فرزندش سیورغتمش در ۸۲۱ هجری، منجر به تأمین امنیتی مثال‌زدنی در مسیرهای کاروانرو خراسان به کابل و کابل به هند گردید (حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۶۹۱/۴). سیورغتمش ارتباطات سیاسی-تجاری با سرزمین چین برقرار کرد و نماینده مخصوص دربار کابل را به همراه نمایندگان شاهرخ و الغ بیگ، به خان‌الیغ اعزام کرد (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۲۸۸/۳). اقدامات وی بر رونق هر چه بیشتر مرکز تجاری کابل تأثیر مثبت داشت.

د) نیشابور: مرکز عمده تجمع کاروان‌های تجاری بود که از این شهر به‌عنوان انبار کالاهای خویش استفاده می‌کردند. نیشابور مملو از کاروانسراها و تاجر سراها بود. تولید پارچه‌های نخی و ابریشمی در کارگاه‌های نساجی برقرار بود و این قابلیت موجب گردید تا نیشابور مرکز عمده تجارت این اقلام گردد (رحمتی، ۱۳۹۲: ۹۰). حیات تجاری نیشابور بر اثر عواملی دچار رکود گردید. وقوع بلایای طبیعی بر حیات اقتصادی و نیز حیات تجاری در شهرهای خراسان تأثیر داشت. وقوع چندین زلزله پی‌درپی در نیشابور در سال‌های ۷۹۱ و ۸۰۸ هجری اقتصاد این شهر را دچار نقصان کرد (طاهری، ۱۳۸۰: ۱۲۶). هرچند در دوران شاهرخ این شهر بازسازی گردید اما هرگز به دوران شکوفای قبل از زلزله بازنگشت. همچنین توجهات ویژه شاهرخ و جانشینانش به شهر هرات، به زیان نیشابور بود.

۴- اقلام و کالاهای تجاری

در این بخش به کالاها و تولیداتی می‌پردازیم که در جریان کار تجارت معاوضه و یا در معرض خریدوفروش قرار می‌گرفت. در یک تقسیم‌بندی کلی از کالاهای تجاری، بخشی مربوط به واردات و بخش دیگر مربوط به صادرات از مناطق خراسان و ماوراءالنهر می‌باشد.

بخش واردات: سمرقند به‌عنوان مرکزی برای ورود و صدور کالا از ماوراءالنهر و خراسان عمل می‌کرد. محصول پوست که در دشت قبچاق و مغولستان به دست می‌آمد، پس از ورود به سمرقند دباغی می‌شد. عمده‌ترین محصول وارداتی از چین، ابریشم بود و الماس و یاقوت از ناحیه ختن به سمرقند می‌آمد (اکا، ۱۳۹۰: ۲۶۰). برخی از تجار خراسانی در کار تجارت ابریشم تولیدی استرآباد تخصص داشتند. فعالیت آنان در شهرهای ناحیه آسیای صغیر متمرکز بود. از معروف‌ترین آنان تاجری با نام «میرسعیدبن‌عبدالله خراسانی» بود که از تاجر خوشنام و پرکار شهر ادرنه عثمانی بود (دین‌پرست، ۱۳۹۲: ۱۴۲). مصنوعات چینی یکی از کالاهای تجاری وارداتی به سمرقند بود. ظروف چینی نمونه‌ای از مصنوعات است. الغ‌بیگ در واردات این محصولات به ماوراءالنهر نقش داشت (بارتولد، ۱۳۳۶: ۱۸۴).

محصول نمک استحصالی از جزیره ایبیزا (Ibiza) که از دریا به دست می‌آمد، به ماوراءالنهر صادر می‌شد و تجاری از آنجا در این کار نقش داشتند (۱۰) (کلاویخو: ۴۵). کلاویخو لیستی از محصولات چینی وارداتی به ماوراءالنهر را ارائه می‌دهد. پرنیان، حریر زربفت، مشک، لعل، الماس، مروارید، ساقه ریواس و ادویه از آن جمله است. گویا کیفیت این کالاها از کالای سایر نواحی بیشتر بود (همان، ۲۸۶). چرم و کتان از محصولات صادراتی روسیه، تاتارستان و خوارزم به شهر سمرقند بود (همان، ۲۸۶). پوست حیواناتی چون قاقم ارزش بسیاری داشت. نوع مرغوب آن در سرزمین تاتار به فروش می‌رفت که بالغ بر پانزده سکه زر ارزش آن بود (همان، ۲۷۱). از هند نیز ادویه تند و مرغوب، به سمرقند و ماوراءالنهر وارد می‌شد (همان، ۲۸۶).

در قرن نهم هجری با پدیده تجارت برده روبرویم (شجاع، ۱۳۵۰: ۲۴۹). لذا در عهد تیموریان خریدوفروش افراد به‌قصد استفاده در مشاغلی چون دامپروری و کشاورزی مرسوم بود. بهترین بردگان، بردگانی از نژاد ترک بودند (همان، ۲۵۳). یکی از نتایج اقتصادی لشکرکشی‌های تیمور، اسرای بود که به شهرهای ماوراءالنهر وارد می‌شد. اهالی شهرهای فتح‌شده، بخشی از اقلامی بود که در بازارهای برده‌فروشی خراسان و ماوراءالنهر عرضه می‌شدند (سمرقندی، ۱۳۸۲: ۲۳۴). لشکرکشی سال ۷۹۵

هجری تیمور به بغداد منجر به اسارت زنان و مردانی شد که به ماوراءالنهر و بازارهای برده‌فروشی آن فرستاده شدند (رویمر، ۱۳۸۰: ۱۰۴). هرات یکی از مهم‌ترین مراکز تجارت برده بود. به نوشته اسفزاری، سالانه بیست هزار برده از ترکستان و هندوستان در هرات به قیمتی گزاف فروش می‌رفت (زمچی اسفزاری، ۱۳۳۸: ۲۳۳/۱-۲۴). لشکرکشی سال ۸۰۳ هجری تیمور به شامات نیز به اسارت بردگان کثیر انجامید. بردگانی از تبار چرکس، حبشی، هندی و زنگی را تیمور میان امرای خویش تقسیم کرد. این کالا به بازارهای ماوراءالنهر به‌ویژه سمرقند برده شد و سودآوری بسیاری برای سوداگران داشت (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۸۶۹/۲). از کار بردگان در کشاورزی و امور آن همچون شخم‌زنی، باغبانی و آبیاری، و نیز در کار چرای احشام استفاده می‌شد (پطروشفسکی، ۱۳۴۴: ۱۴۵/۲-۱۴۶).

بخش صادرات: بخش قابل توجهی از اقلام تجاری، تولید شهرهای خراسان و ماوراءالنهر بود. این محصولات علاوه بر تأمین نیاز داخلی، به سایر نواحی نیز صادرات داشته است. محصولات تولیدی بخش کشاورزی سمرقند قیمتی ارزان داشت. جو، گندم و البته برنج در شهر سمرقند به مقدار فراوان موجود بود (کلاویخو، ۲۸۴). همچنین در سرتاسر سمرقند کالاهایی عرضه می‌شد که گاهاً ارزش صادرات می‌یافت (همان، ۲۸۷ - ۲۸۶). از دیگر کالاهای تجاری می‌توان به انواع پارچه و محصولات نساجی اشاره داشت. خراسان دارای پارچه‌های پنبه‌گران قیمت بود و انواع پارچه رنگارنگ تولید در هرات به بازار سلطانیه می‌رفت (همان، ۱۶۸).

کابل دروازه صادرات محصولات تجاری به هند بود. پارچه‌های ابریشمی نخی و کمخا نیشابوری اغلب به هند صادر می‌شد (رویمر و دیگران، ۱۳۷۸: ۱۹۹). چاپارهای خراسان، محصول میوه تولیدی شهرهای، هرات، بخارا و نیشابور را به هند می‌بردند. به این محصولات، اسب را نیز باید افزود. مصادف با نیمه دوم قرن نهم و اوایل قرن دهم هجری، از خراسان هر سال هفت تا هشت هزار رأس اسب به کابل می‌رفت (بابر، ۱۳۰۸: ۸۱).

۵- نظام پولی و ساختار معاوضات تجاری

تیموریان در نظام مبادلات تجاری خویش از سکه‌هایی بهره بردند که در گذشته و قبل از دولت تیموریان رواج داشت. دینار خراسانی یکی از این واحدهای پولی است. دیناری از جنس نقره به وزن ۴/۲۱ گرم بود. بانی دینار خراسانی، «طلغا تیمور» در نیشابور بود. کبک‌خان از خانان اولوس جغتای نیز سکه‌ای با وزن معادل ۸ گرم در ماوراءالنهر ضرب کرد که با نام «کپکی»، پایه بسیاری از معاملات

تجاری در این منطقه بود (رویمر و دیگران، ۱۳۷۸: ۲۷۲). سکه‌های تیموریان بر اساس این الگوها ضرب شد. دارای نوشته‌هایی به زبان فارسی و اعدادی بود که سال ضرب آن‌ها را نشان می‌داد (ترابی طباطبایی، ۱۳۴۷: ۳۴). نوشته‌های روی سکه عبارت از نام فرمانروا با عناوینی چون «السلطان اعظم سلطان» «خلدالله ملکه و سلطانه»، محل ضرب و تاریخ ضرب به عدد بود. گاه محل ضرب و تاریخ آن در پشت سکه و با جمله «لا اله الا الله، محمد رسول الله» درج می‌گردید (سرفراز و آورزمانی، ۱۳۷۹: ۲۳۰-۲۳۶). در دوره حکمرانی تیمور، سکه‌های چندی وجود داشت که در معاملات تجاری کاربرد داشت. معروف‌ترین و مهم‌ترین آن‌ها «تنکه» نام داشت. تنکه به جنس نقره و برگرفته از واژه‌ای هندی بود. وزن هر تنکه معادل ۵/۳۸ گرم بود (امیرخانی، ۱۳۸۳: ۶۳). تنکه تیموری از سکه‌ای هندی تبعیت می‌کرد و از نظر وزنی نصف تنکه هندی بود. تنکه تیموری جایگزین سکه‌ی چهار درهمی خراسان شد (رویمر و دیگران، ۱۳۷۸: ۲۷۲). تنکه به لحاظ حوزه رواج، دارای جغرافیای گسترده‌ای بود و در سراسر قلمرو تیموریان رواج داشت (کلاویخو: ۲۳۳). کلاویخو ارزش هر تنکه تیموری را معادل دو ریال نقره می‌داند. در دیدار خویش با تیمور در سمرقند، ۱۵۰۰ سکه کپکی به پاداش از تیمور دریافت داشت. کلاویخو مجموع ۱۵۰۰ سکه کپکی را برابر با ۸۰ لیبره می‌داند (همان، ۲۷۵). با یک محاسبه، می‌توان به این نتیجه رسید که هر ۱۸/۷۵ دینار کپکی، معادل یک لیبره بوده است.

نوع دیگر از سکه‌های عهد تیمور با نام «میری» شناخته می‌شد که وزنی معادل ۱/۵ گرم را داشت (توختی‌یف، ۱۳۷۷: ۳۴). هرات پس از سمرقند از مهم‌ترین دارالضرب‌ها بود (همان، ۳۲). سکه‌های تنکه تیموری در نواحی خراج‌گزار تیمور نیز نفوذ داشت. تجار و بازرگانان شاغل در این نواحی نیز از آن بهره می‌بردند (۱۱). تنکه تیموری برای به‌کارگیری در معاملات تجاری در واحدهای چندی ضرب می‌شد. تیمور پس از تصرف دمشق فرمان داد تا خزائن نقره آن شهر، به سکه‌های تنکه صد مثقالی، پنجاه و ده مثقالی ضرب گردد (یزدی، ۱۳۸۷: ۱۰۸۱/۲).

در دوره شاهرخ ضرب تنکه نقره‌ای تداوم یافت. در دهه‌های پایانی قرن نهم هجری سکه‌ای به نام «شاهرخ» را داریم. همچنین در دوره شاهرخ تنکه به طلا نیز ضرب می‌شد (رویمر و دیگران، ۱۳۷۸: ۲۷۳). تنکه شاهرخ دارای وزنی سبک‌تر از تنکه تیموری بود (تاکستن و دیگران، ۱۳۸۴: ۷۱). وزن دینار کپکی دوره شاهرخ معادل هشت گرم بود (امیرخانی، ۱۳۸۳: ۶۳). ارزش این دینار بسیار بیشتر از سایر دینارها بود به‌گونه‌ای که ده‌هزار آن معادل یک تومان بوده است (فوربزمتر، ۱۳۹۳: ۱۳۷). از دیگر دینارهای رایج منطقه‌ی خراسان و ماوراءالنهر در دوره تیموریان، دینار «ابوسعیدی» است که در دوران حکمرانی ابوسعید تیموری رایج بود (رویمر و دیگران، ۱۳۷۸: ۲۸۰). با

استناد برخی از مناشیر و فرامین عهد بايقرا، دينار كپكى در عهد وى نیز رواج داشته كه در تمامى معاملات بازرگانى روزگار وى بكار مى‌رفت (۱۲). همچنين در دوران وى سكه‌هاى با نام بهبود ضرب شد كه به تنكه بهبود شهرت يافت (سمرقندى، ۱۳۸۳: ۳ / ۲۴۵). ضرب اين سكه زر، مربوط به سال ۸۷۳ هجرى مى‌باشد (زمچى اسفزارى، ۱۳۳۸: ۲ / ۳۳۰). سيستم منظم ضرب سكه در دوران بايقرا، موجب گرديد تا تمام قلمرو وى داراى يك نظام پولى يكسان گردد و منجر به همسانى در اوضاع تجارى منطقه گرديد (رحمتى، ۱۳۹۲: ۹۳). همچنين، نظام ضرب مسكوكات تابع قوانينى بود كه از جانب ديوان مال يا ديوان سرت، صادر مى‌شد. مجرى اين قوانين مأمورى در دارالضرب سلطنتى به نام «صاحب‌عيارانه» بود. فرامين بايقرا نشان مى‌دهد كه محتسب هر ولايت بر كار دارالضرب نیز نظارت داشت تا از عيار سكه‌ها كاسته نشود (خواندمير، نسخه خطى، ۷۴).

گويا واحد پولى تنكه در منطقه ماوراءالنهر پس از تیموریان نیز رواج خویش را حفظ كرد. خانان ازبك بر اساس معيار تنكه معاملات بازرگانى خویش را تنظيم مى‌کردند (رويمر و ديگران، ۱۳۷۸: ۲۷۸).

نتیجه

موضوع محوری در نوشتار حاضر، تجارت تیموریان در خراسان و ماوراءالنهر است. جایگاه این مناطق چه به لحاظ جغرافیایی و چه از نظر سیاسی-اجتماعی شایان توجه است. سمرقند و هرات دو مرکز سیاسی تیموریان، در منطقه ماوراءالنهر و خراسان جای داشتند. تیمور با استقرار در شهر سمرقند، علاقه بسیاری به شکوفایی اقتصادی ماوراءالنهر نشان داد. این توجه را جانشینان وى به مرکز سیاسی هرات داشتند. لذا وحدت سیاسی ماوراءالنهر و خراسان در دوره تیموریان، دورانی از شکوفایی تجارت را رقم زد. نتایج این وضعیت در حوزه تجارت، در چند بخش خود را نشان داد. رشد چند شهر عمده بر مدار تجارت، مراکز تجاری شکوفایی را پدید آورد. هرات، سمرقند، نیشابور و کابل، از آن جمله هستند. مدیریت حکم‌فرما در هر یک از این مراکز تصمیم‌گیری، به سهم خود دست به ایجاد روابط تجاری با سایر سرزمین‌ها زد. خراسان و ماوراءالنهر به سبب موقعیت جغرافیایی و تجاری خویش، در مسیر راه‌های بازرگانی متعددی قرار گرفتند که از شهرهای این نواحی می‌گذشت. جاذبه‌های کالایی و ضریب بالای امنیت تجارت، عاملی برای جذب تجار سایر نواحی بود. تولیدات کالایی این نواحی وارد چرخه تجارت گردید و بر رونق هر چه بیشتر آن مؤثر افتاد. تیموریان از سیستم پولی واحدی در کار تجارت بهره بردند که این مسئله نیز بر رونق کار تاجران و نیز کسب سود برای منطقه، تأثیر بسزایی داشت.

نتیجه آنکه، کوشش‌های تیموریان برای به راه انداختن چرخ تجارت و بازرگانی خراسان و ماوراءالنهر، موفقیت‌آمیز بود.

یادداشت‌ها

۱. حیطه جغرافیایی ترکستان از شمال ماوراءالنهر آغاز می‌گردد. گاه مرز ترکستان از شمال سیر دریا (سیحون) آغاز می‌شد و شهر کاسان در ولایت فرغانه را اول بلاد ترکستان می‌دانستند. خُتن از توابع ترکستان بود (رضا، ۱۳۷۲: ۱۵۵).

۲. نامه مذکور، بعدها در مجموعه اسناد گردآوری شده توسط مرحوم نوایی نیز آمده است (اسناد و مکاتبات تاریخی ایران، ۱۳۵۶، ۷۵-۷۹).

۳. برای پی بردن به جزئیات مرتبط با مهیاسازی شهرهای سمرقند و بخارا جهت رونق هر چه بیشتر تجارت، نک: میرجعفری، حسین و دیگران (۱۳۹۳) فعالیت شهرسازی تیموریان در شهرهای سمرقند و هرات، پژوهشنامه تاریخ.

۴. وخان یا واخان، معبری کوهستانی در کوه‌های پامیر در شمال شرق افغانستان امروزی می‌باشد. وخان معبری برای گذر به چین، ترکستان و از جنوب به شبه‌قاره هند است
(<https://www.britannica.com/place/Vakhan>. 2017/01/24)

۵. شهر سرای در پایین دست رودخانه ولگا حدود ۱۲۰ کیلومتری شمال شهر آستاراخان در روسیه امروزی قرار دارد. این شهر پایتخت اردوی زرین بود.

۶. نامی اویغوری می‌باشد. حامی در حدفاصل مناطق مرکزی چین با ماوراءالنهر قرار داشت. این شهر اکنون در شرقی‌ترین نقطه استان سین کیانگ چین واقع شده است
(<http://www.britanica.com/place/Hami>. 2017/01/24)

7. Hongwu

8. Buyur Nor

۹. کلاویخو اشاره دارد که این خیابان عرضی پهن داشت و دکان‌ها در دو سوی آن قرار داشت. هر دکان یک اتاق در جلو و اتاقی دیگر در پشت داشت. بازرگانان در این دکان‌ها بساط می‌گسترده تا به تعامل با سایر تجار بپردازند (کلاویخو، ۲۷۷).

۱۰. ایبیزا جزیره‌ای در پایین دست کوه‌های ایالت کاتالونبای اسپانیا و در قلمرو پادشاهی آراگون بود (کلاویخو، ۴۴).

۱۱. حاکم شهر اینبولی در منطقه آناتولی شخصی به نام اسفندیار بود که در قلمرو خویش از سکه‌های ضرب شده توسط تیمور استفاده می‌کرد (کلاویخو، ۱۲۰).
۱۲. کاربرد دینار از نوع کپکی در سرتاسر خراسان عهد بایقرایی رایج بود. نک: نظامی (۱۳۵۷)، منشأ الأَنْشاء، تألیف ابوالقاسم شهاب‌الدین احمد خوافی.



منابع

- آکا، اسماعیل (۱۳۹۰). *تیموریان*، ترجمه اکبر صبوری، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ابن عربشاه، احمد بن محمد (۱۳۸۶). *عجائب‌المقدور فی اخبار تیمور*، ترجمه محمدعلی نجاتی، چ ۷، تهران: علمی و فرهنگی.
- اسناد و مکاتبات تاریخی ایران «از تیمور تا شاه اسماعیل»* (۱۳۵۶). گردآورنده عبدالحسین نوایی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- امیرخانی، غلامرضا (۱۳۸۳). *تیموریان*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- بابر، ظهیرالدین (۱۳۰۸ ق). *بابرنامه*، ترجمه عبدالرحیم خان خانان، بمبئی: بی‌جا.
- بارتولد، واسیلی ولادیمیرویچ (۱۳۰۸). *تذکره جغرافیای تاریخی ایران*، ترجمه حمزه سردادور، تهران: چاپخانه اتحادیه.
- بارتولد (۱۳۳۶). *الغ بیگ و زمان وی*، ترجمه حسین احمدی‌پور، تبریز: کتابفروشی چهر.
- بارتولد (۱۳۵۸). *گزیده مقالات تحقیقی*، ترجمه کریم کشاورز، تهران: امیرکبیر.
- پطروشفسکی، ایلیا پولوویچ (۱۳۴۴). *کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول*، ترجمه کریم کشاورز، ج ۲، تهران: دانشگاه تهران.
- پیگولوسکایا و دیگران (۱۳۵۴). *تاریخ ایران*، ترجمه کریم کشاورز، چ ۴، تهران: پیام.
- تاکستن و دیگران (۱۳۸۴). *تیموریان*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: مولی.
- ترابی طباطبایی، جمال (۱۳۴۷). *سکه‌های اسلامی (دوره ایلخانی و گورکانی)*، نشریه شماره ۲، تبریز: موزه آذربایجان.
- توختی‌یف، عرفان (۱۳۷۷). *سیاست مالی تیمور و خاندان او و سکه‌های آن‌ها*، به کوشش بهمن اکبری، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی.
- جامی، نورالدین (۱۳۷۸). *نامه‌ها و منشآت جامی*، تصحیح عصام‌الدین اورون‌بایف و اسرار رحمانف، تهران: میراث مکتوب.
- جامی (۱۳۷۸). *هفت‌اورنگ (تحفه‌الاحرار)*، تصحیح و تحقیق جابلقا دادعلیشاه و دیگران، ج ۱، تهران: مرکز مطالعات ایرانی و نشر میراث مکتوب.
- جوینی، علاء‌الدین عطاملک (۱۳۸۵). *تاریخ جهانگشای جوینی*، تصحیح محمد قزوینی و شاهرخ موسویان، ج ۱، تهران: داستان.
- حافظ ابرو، شهاب‌الدین (۱۳۴۹). *جغرافیای حافظ ابرو قسمت ربع خراسان «هرات»*. به کوشش مایل هروی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- _____ (۱۳۷۰). *جغرافیای تاریخی خراسان در تاریخ حافظ ابرو*، تصحیح غلامرضا وره‌رام، تهران: اطلاعات.

- _____ (۱۳۸۰). *زبدۀ/تواریخ*. تصحیح کمال حاج سیدجوادی، ج ۴، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حسینی تربتی، ابوطالب (۱۳۴۲). *تذکرات تیموری*، تهران: کتابفروشی اسدی.
- خطائی، علی اکبر (۱۳۷۲). *خطای نامه*، به کوشش ایرج افشار، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- خواجه جهان، عمادالدین محمود (۱۹۴۸ م). *ریاض‌الأنشاء*، تصحیح چاندین حسین احمدنگری، حیدرآباد: سرکار عالی.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین (۱۳۳۳). *حبیب‌السیر*، زیر نظر محمد دبیر سیاقی، تهران: کتابفروشی خیام.
- خواندمیر، نامۀ نامی. نسخه خطی، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ۳۴۱۱.
- دین‌پرست، ولی (۱۳۹۲). «سیاست‌های تجاری تیمور و پیامدهای آن»، *تاریخ ایران*، دوره ۵، ش ۱۳، صص ۱۲۳-۱۴۶.
- رحمتی، محسن؛ یوسفوند، فاطمه (۱۳۹۲). «سلطان حسین بایقرا و حیات اقتصادی خراسان»، *تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام*، سال ۴، ش ۷، ۷۹-۹۹.
- رضا، عنایت‌اله (۱۳۷۲). «*رکستان*»، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۵، ۱۵۴-۱۵۸.
- رویمر، هانس روبرت (۱۳۸۰). *ایران در راه عصر جدید*، ترجمه آذر آهنچی، تهران: دانشگاه تهران.
- رویمر، هانس روبرت و دیگران (۱۳۷۸). *تاریخ تیموریان*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: جامی.
- زمچی‌اسفزاری، معین‌الدین محمد (۱۳۳۸). *روضات‌الجنت فی اوصاف مدینه هرات*، تصحیح محمد کاظم امام، ج ۲، تهران: دانشگاه تهران.
- سرفراز، علی اکبر؛ آوزمانی، فریدون (۱۳۷۹). *سکه‌های ایران از آغاز تا دوران زندیه*، تهران: سمت.
- سمرقندی، دولت‌شاه (۱۳۸۲). *تذکره‌الشعرا*، تصحیح ادوارد براون، تهران: اساطیر.
- سمرقندی، عبدالرزاق (۱۳۸۳). *مطلع‌السعدین و مجمع‌البحرین*، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- شامی، مولانا نظام‌الدین (۱۳۶۳). *ظفرنامه*، از روی نسخه فلیکس تاور، تصحیح پناهی سمنانی، تهران: کتاب بامداد.
- شجاع (۱۳۵۰). *انیس‌الناس*، به کوشش ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- شهاب‌منشی، محمدبن علی (۱۳۵۶). *همايون نامه*، به اهتمام رکن‌الدین همايون‌فرخ، تهران: دانشگاه ملی.
- طاهری، علی (۱۳۸۰). *درآمدی بر جغرافیا و تاریخ نیشابور*، نیشابور: شادیاخ.
- فرانک، آیرین؛ براونستون، دیوید (۱۳۷۶). *جاده ابریشم*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: سروش.

فرهانی منفرد، مهدی (۱۳۸۱). *پیوند سیاست و فرهنگ در عصر زوال تیموریان و ظهور صفویان*، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

فرای، ریچارد (۱۳۸۲). *تاریخ باستانی ایران*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: علمی و فرهنگی.
فوربزنز، بناتریس (۱۳۹۳). *ایران عصر تیموری*، ترجمه اکبر صیوری، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه.

کلاویخو، روی گونسالس (۱۳۸۴). *سفرنامه کلاویخو*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، چ ۵، تهران: علمی و فرهنگی.
میرجعفری، حسین و دیگران (۱۳۹۳). «فعالیت شهرسازی تیموریان در شهرهای سمرقند و هرات»، *پژوهش‌نامه تاریخ*، سال ۹، ش ۳۶، ۱۳۹-۱۵۵.

میرخواند، محمدبن خاوندشاه (۱۳۸۰). *تاریخ روضه‌الصفاء، تصحیح و تحشیه جمشید کیانفر*، ج ۶ و ۸، تهران: اساطیر.

نطنزی، معین‌الدین (۱۳۳۶). *منتخب‌التواریخ معینی*، تهران: خیام.
نظامی، نظام‌الدین عبدالواسع (۱۳۵۷). *منشأ الأتشاء*، به کوشش رکن‌الدین همایونفرخ، ج ۱، تهران: دانشگاه ملی.

نقاش، خواجه غیاث‌الدین (۱۳۷۲). *سفرنامه چین*، به کوشش ایرج افشار، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

نوابی، عبدالحسین (۱۳۷۰). *ایران و جهان از مغول تا قاجاریه*، ج ۲، چ ۳، تهران: هما.
نوروزی، جمشید؛ برومند، صفورا (۱۳۹۵). «نقش دیپلماسی شاهرخ تیموری در شبه‌قاره هند»، *تاریخ اسلام و ایران*، سال ۲۶، ش ۳۰، ۲۵۳-۲۷۲.

واله‌اصفهانی، محمدیوسف (۱۳۷۹). *خلدبرین*، به کوشش میرهاشم محدث، تهران: میراث مکتوب.
یزدی، شرف‌الدین علی (۱۳۸۷). *ظفرنامه*، تصحیح سعید میرمحمد صادق و عبدالحسین نوابی، ج ۲، تهران: کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

Rajkai, Zsombor Tibor(2007). *The Timurid Empire and the Ming China*, Doctoral Dissertation, Lorand University: Budapest Doctoral Committee.

Schiltberger, Johan(1995). *The bondage and travels of Johan Schiltberger in Europe, Asia and Africa (1396 – 1427)*, London: the Hakluyt Society.

<https://www.britanica.com/place/Hami>. 2017/01/24.

<https://www.britannica.com/place/Vakhan>. 2017/01/24.